



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۲۰۵ |

یادداشت / بهمن دهستانی

تلفیق آموزش‌های زیست محیطی با فرهنگ زیارت

۲



رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی:

فلسفه در تمدن اسلامی با فارابی آغاز می‌شود

۳

موعظه / آیت الله مظاهری

واجب را فدای مستحب نکن!

۲

گسترش همکاری‌های بنیاد پژوهش‌ها با رادیو ملی زیارت

۴

سرانه قرآن خواندن در کشور ۱۵ دقیقه در روز

۲

رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی در گفت‌وگو با قدس تبیین کرد

نقش فقه سیاسی شیعه در ساخت تمدن اسلامی

۲

در همایش

«بسپج و خدمت بی‌منت» بیان شد

تجلی فرهنگ بسپج در خدمت‌رسانی به زائران

فرمانده سپاه امام رضا(ع)، تداوم انقلاب را نتیجه مشارکت مردم دانست و افزود: تفکر بسپجی می‌تواند به عنوان الگویی برای حل مشکلات جهان اسلام مطرح شود. به گزارش آستان‌نبوز، همایش «بسپج و خدمت بی‌منت» صبح روز گذشته با حضور مدیران دستگاه‌های اجرایی و فرماندهان حوزه‌ها و پایگاه‌های مقاومت بسپج ادارات و کارمندان سپاه امام رضا(ع) در تالار قدس حرم مطهر رضوی برگزار شد...



همایش جهادگری - عکس: رضوی

درباره زندگی و زمانه میرزا محمدباقر رضوی، مدرس آستانه و عالم مدفون در حرم رضوی

اعجوبه تدریس و احیاگر کتاب

شرعی خودداری می‌کرد. به همین دلیل، فرد ثروتمندی نبود و با قناعت و مناعت طبع روزگار می‌گذراند. چندی بعد، به دلیل شهرتش در تدریس و البته مشکلات جسمانی عمومیش، میرزا محمدعلی رضوی که مدرس آستانه بود، جای وی را گرفت و از آن به بعد، حلقه درس او در حرم مطهر، یکی از شلوغ‌ترین مجالس درس در مشهد شد.

■ کتابخانه ۲ هزار جلدی میرزا محمدباقر

میرزا محمدباقر رضوی افزون بر تدریس، علاقه فراوانی به جمع‌آوری کتاب‌های مختلف خطی و چاپی و



احیای آن‌ها داشت. کتابخانه‌ای با بیش از ۲ هزار جلد کتاب برای خودش فراهم کرده بود و ساعات فراغت را به تصحیح کتاب‌ها و تکمیل آن‌ها می‌گذراند؛ تعجب نکنید! میرزا محمدباقر کتاب‌های خطی را که به صورت ناقص به دست او می‌رسید، از روی نسخه‌های دیگر و با خط خودش تکمیل می‌کرد و در کتابخانه شخصی قرار می‌داد؛ او بی‌تدرید یکی از احیاگران مهم کتاب در تاریخ معاصر ایران است. او در کنار تدریس برای

۱۲۶۷ خورشیدی به همراه میرزا حبیب‌الله مجتهد خراسانی راهی عتبات شد و در نجف پای درس آخوند خراسانی نشست و از علمای آن حوزه کهنسال، اجازه روایت گرفت و به مشهد بازگشت؛ دوران پربرار زندگی میرزا محمدباقر رضوی، درست از همین زمان آغاز می‌شود.

■ خادمی که عاشق تدریس بود

او پس از ورود به مشهد، تدریس در حوزه علمیه را آغاز کرد. میرزا سخت به تدریس علاقه‌مند بود و تقریباً از بعد از طلوع آفتاب تا هنگام غروب به آن اشتغال داشت. تدریس او از دروس مقدماتی آغاز می‌شد و تا درس‌های حرم

محمد حسین

نیکبخت | حرم

مطهر امام رضا(ع) از دیرباز کانون و مرکز ترویج و گسترش معارف الهی بوده است. حتی در قرن چهارم هجری قمری، زمانی که اماکن متبرکه توسعه چندانی نیافته بود، علمای مذاهب مختلف اسلامی همراه شاگردان خود به روضه منوره می‌آمدند و بساط درس و بحث را در کنار مرقد مطهر ثامن‌الحجج(ع) می‌گستراندند. در قرن‌های بعد، منصبی در آستان قدس به وجود آمد به نام «مدرس اول» که بسیار مورد توجه بود. مدرسان آستان علمای نام‌آور دوران خود بودند که باید در حرم مطهر به تدریس علوم دینی می‌پرداختند. در میان این مدرسان، افراد مشهوری که نامشان در تاریخ باقی مانده است، کم نبوده‌اند. امروز می‌خواهم برایتان درباره یکی از این مدرسان عالی‌مقام که در حدود ۹۷ سال پیش، دار فانی را وداع گفت صحبت کنم؛ مدرسی که تلاش و کوشش او در امر تدریس و احیای کتاب‌های نفیس، زینبازد خاص و عام بود.

■ از سلاله سادات رضوی

میرزا محمدباقر از سلاله سادات رضوی بود که عمری را در مشهد به خدمت خلق و نشر علوم دینی مشغول بود. او در آذر سال ۱۲۳۳ خورشیدی در شهر مشهد به دنیا آمد. خاندانش از دوره نادرشاه، به عنوان علمای تراز اول مشهد و مدرسان آستان قدس رضوی شناخته می‌شدند و پدرش، سیدصادق رضوی این مقام را داشت. میرزا محمدباقر، مقدمات را نزد پدرش فرا گرفت و مدتی را هم در سبزوار به فراگیری دانش پرداخت و پس از آن در سال

سطوح عالی را در بر می‌گرفت. فصاحت بیان میرزا محمدباقر و روش خاص او در تدریس که موجب فراگیری ساده‌تر طلاب می‌شد، سبب شد جلسات درس او از شلوغ‌ترین جلسات درس حوزه مشهد باشد و حدود ۲۰۰ طلبه به طور دائم در آن حاضر شوند. میرزا محمدباقر افزون بر تدریس، خادم حرم نیز بود؛ منصبی که از پدرش به ارث برد؛ او معلمی و خادمی را وسیله امرار معاش خود قرار داد و از قبول سهم امام و دیگر وجوه

پسران، آموزش به دختران را هم مهم و ضروری می‌دانست و در شرایطی که عموماً فضایی برای آموزش دختران در مشهد وجود نداشت، دختران خانواده میرزا محمدباقر رضوی از موهبت فراگیری علوم زمانه برخوردار بودند. واقعیت آن است که میرزا محمدباقر، تربیت را مهم‌تر از تعلیم می‌دانست و معتقد بود عالمی که تربیت صحیح نداشته باشد، نمی‌تواند برای جامعه خود نقش مثبتی ایفا کند.

■ اهتمام به امور سیاسی و اجتماعی

میرزا محمدباقر رضوی در بیان حق و آنچه از متون دینی دریافت‌ه بود، ایایی نداشت. او از طرفداران مشروطه به حساب می‌آمد و از سوی مردم به عنوان عضو انجمن ایالتی خراسان انتخاب شد و در این سمت، خدمات فراوانی انجام داد. میرزا در غائله طالب‌الحق یزدی و به توپ بستن حرم مطهر رضوی توسط نیروهای روسیه تزاری در نوروز سال ۱۲۹۱، سعی زیادی برای برقراری سازش و صلح میان دو طرف دعا داشت، اما کاری از پیش نبرد. او تا سه ماه پیش از وفات خود، به تدریس ادامه داد تا اینکه در یکی از روزهای فروردین سال ۱۳۰۳، پس از اتمام درس، کتاب را بست و رو به شاگردانش کرد و گفت که دیگر قادر به تدریس نیست و حالش رو به وخامت گذاشته است. او را از همان جلسه، مستقیماً به بستر بردند و تحت درمان قرار گرفت. به پیشنهاد پزشک، میرزا محمدباقر مدرس رضوی را به روستای سوران در نزدیکی شاندیز منتقل کردند تا استراحت کند، اما عمرش به دنیا نبود و در ۲۱ تیرماه سال ۱۳۰۳، در ۷۱ سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکرش را پس از تشییع باشکوه، در حرم مطهر رضوی، ورودی دارالسیاده به خاک سپردند.

غربت نکردیم.

وی افزود: امام رضا(ع) انیس‌النفوس هستند و امکان ندارد کسی از ایشان حاجتی خواسته باشد و حاجتش روا نشود. ائمه اطهار(ع) صدای ما را می‌شنوند و به ما توجه می‌کنند. ۱۷ سال است که مسئولیت عزای محله خیمه‌گاه در کربلا را بر عهده دارم و خدا را شاکرم که نعمت خدمتگزاری به زائران را نصیب و روزی ما کرده است؛ ما هر چه داریم از خدمتگزاری و نوکری اهل بیت عصمت و طهارت(ع) است.

مدیریت زائران غیرایرانی آستان قدس رضوی در صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر برگزار شد از زائران استقبال شد. وی خاطرنشان کرد: هر بار که به ایران سفر می‌کنیم احساس می‌کنیم به وطن خودمان بازگشتیم. ما ایرانیان را برادران دینی خود می‌دانیم و هیچ گاه در این کشور احساس



تبلیغی که به همت

گروهی از موکبداران حرم امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل العباس(ع) به بارگاه نورانی حضرت ثامن‌الحجج(ع) مشرف شدند.

ریاض سلمان، یکی از موکبداران عراقی در گفت‌وگو با آستان‌نبوز گفت: هفتمه ساله به مناسبت وفات حضرت فاطمه معصومه(س) این کاروان به شهر قم سفر کرده و پس از زیارت حرم مطهر خواهر بزرگوار حضرت رضا(ع)، به شهر مقدس مشهد و حرم مطهر رضوی مشرف می‌شویم.



تشرف موکبداران کربلا به حرم رضوی

هر چه داریم از نوکری برای اهل بیت ﷺ است



منبر مجازی

ناامیدی بدترین بلاست

حجت‌الاسلام شهاب مرادی | این روایت

رو از قول خدای متعال داشته باشیم... من کنار گمان بنده مؤمن هستم... بینش شما به خداوند متعال در زمینه مغفرت و استغفار چیه؟ چطوریه؟ خدا همون جوری بAHاتون برخورد میکنه... خدا بخشنده است، تمام گناهان رو می‌آمرزه؟ هیچ کس حق نداره بنده‌های خدا رو ناامید کنه... باید مردم رو امیدوار کنیم... حضرت علی(ع) می‌فرمایند: دانشمندی دینی کسی است که مردم رو از خدا ناامید نکنه... قطع امید بدترین بلائیه که به سر آدم میاد... با یک دل پر از امید با خدا برخورد کنید... که حتماً خدا مارو می‌بخشه... توی قرآن ببینید... جاهایی که خدا می‌خواد بنده‌هارو بترسونه... جاهایی که اولیای خدا می‌خوان دیگران رو بترسونن... جوری نمی‌ترسونن که طرف بذاره بره... مثلاً میگن من می‌ترسم یه عذابی از طرف خدای مهربون به تو برسه... ما اگه بخوایم این جمله رو بنویسیم دیگه کنار عذاب نمی‌نویسیم: «خدای مهربان»... اما حضرت ابراهیم کنار کلمه عذاب، خدای مهربان رو به کار می‌بره... با تمام وجود و خودمون تفهیم کنیم که خداوند غفار است... خدا رحیمه... خدا رحمانه... خدا همه گناهان رو می‌بخشه... توی یک آیه‌ای که خدا می‌خواد بگه اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ... ببینید... اعلمو... «بدانید» یک خطاب محکمه... «اَنَّ» تأکید دوباره است؛ در مورد عقاب هم هست... بعد اینکه میگه اَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، تأکید میکنه: و اَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ... اگه شدت عقاب رو توی یک آیه آورده توی همون آیه غفور بودن و رحیم بودن رو هم آورده... سِرِّش هم اینه که بترسین... بترسین که توبه کنین نه اینکه جوری بترسین که فرار کنین... ما خیلی وقتاً مردم رو جوری می‌ترسونیم که فرار می‌کنن... بترس اما بیا در آغوش خودم. نه اینکه بگو من که آب از سرم گذشته، چه یک وجب، چه ده وجب... این اشتباه ناجوریه... همش به خودتون پیام لطف خدا رو بدین... و اِنَّهٗ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ... یه خطی روی گناهان بکشین. پیامبر خدا باشین برای خودتون، پیام خارو به خودتون برسونین. خدا می‌بخشه. توی دعای عرفه می‌خونیم فَبِأَنِّ شَى اسْتَقْبَلَکَ یَا مَوْلَا؟ خدایا می‌خوام پیام طرفت، به استقبالت، یا چی پیام؟ خدایا به چی پیام طرفت؟ عبارت مال امام حسین... یا چی پیام؟ یا گوشم... یا چشمم... یا زبانم؟ با...؟ مگه همه اینا نعمت تو نبوده؟ با همه اینا گناه کردم... خوب... بسم‌الله... عوض شو... یواش به خدا بگیم خدایا عوض میشم...